

ادامه از صفحه اول

چهارشنبه‌سوری از لذت تخطی تا نفی متقابل

برگزاری چهارشنبه‌سوری از سوی مردم از امری معمولی و بی‌مسئله به امری مجرمانه و اصولاً انحرافی و ممنوع تبدیل شد. در حقیقت فضای تزه‌گرای اخلاقی و اعتقادی پس از انقلاب معنای کل مراسم را به‌عنوان بقایای مراسم و باورهای پیشاسلامی و رفتارهای «غیراخلاقی» و «خرافی» تقبیح می‌کرد و نیروهای انتظامی هرساله به منع و برخورد با مرتکبان به آن پرداختند. چندسالی نگذشت که کم‌کم چهارشنبه‌سوری برای شرکت‌کنندگان و نیروهای انتظامی به بازی قایم‌باشک تبدیل شد. به‌این‌ترتیب یک جشنواره معمولی «ناهنجاری هنجارمند» به ناهنجاری مطلق تبدیل شد و تخلیه هیجانی‌ای که طبق عرف اجتماعی صورت می‌گرفت، تبدیل به تخلیه انفجاری نامقید شد. با تثبیت اجتماعی نظم نوین، گفتمان رسمی مبتنی بر منع چهارشنبه‌سوری کم‌کم به گفتمانی قانونی- انتظامی تغییر شکل پیدا کرد که نقطه محوری آن از قبح به سمت خطرات بازی با مواد منفجره و ترسید که برای شهروندان ایجاد می‌شد و ضرورت برقراری نظم و امنیت حرکت می‌کرد. اگرچه شاید به دلیل تمریخش‌نبودن این ممانعت‌ها، با علل دیگر که نیاز به بررسی بیشتر دارد، در دهه‌های اخیر بتوان چنین دیدی در این گفتمان نسبت به چهارشنبه‌سوری را مشاهده کرد؛ چپششی که تا حدودی «آزادگذاری» (Per-missiveness) مردم را می‌پذیرد و از «تخطی‌های جزئی» چشم‌پوشی و تلاش می‌کند تا روادارانه فضایی را به آن تخصیص دهد. اگرچه شاید همچنان بقایای گفتمان تزه‌گرای گذشته در تابیوی نام چهارشنبه‌سوری (و تبدیل آن به شب چهارشنبه آخر سال) دیده می‌شود؛ همان‌گونه که نام مراسم دیگر نوروزی، یعنی سیزده بدر، هم پس از نادیده‌انگاشتن‌های مداوم با عنوان دیگری در گفتمان رسمی نامیده می‌شود. به نظر نگارنده، چنین مراسمی بخشی جانفشانی از تقریباً هر فرهنگ و اجتماعی هستند و به قولی بدون چنین تمهیدات فرهنگی ساختار جامعه قادر به ادامه بقا نخواهد بود. بنابراین توقف انکار آن، به‌رسمیت‌شناختن آن و بازگرداندن آن به امری هنجاری، می‌تواند آن را به امری «معمول» تبدیل کند و در نهایت دغدغه‌های مرتبط با امنیت شهروندان را مانند آنچه در گذشته‌ها بوده است، کاهش دهد و از تزریق استرس قابل اجتناب و بیهوده به بدنه جامعه بکاهد. حتی برای گفتمانی که تلاش در برجسته‌کردن «هلال فرامی نوروز» و تقویت همبستگی بین کشورهای داخل این هلال را دارد، شاید لطمه‌نزدن به این همبستگی فراملی از طریق انکار مراسم نوروزی تقدم منطقی داشته باشد.

اگرچه همچنان به نظر می‌رسد که در گفتمان‌های موجود، تکلیف «چهارشنبه‌سوری» مانند بسیاری از امور دیگر همچنان نامشخص و درواقع دال شناوری است که هر دسته‌ای تلاش دارند که آن را به مدلولات و معانی مختلف و حتی متعارضی بر کنند؛ مسأله‌قعی که بطبع نمی‌تواند برنده‌ای داشته باشد. ممکن است کسی وضعیت چهارشنبه‌سوری در نظام نمادین را نمونه‌ای از عدم وفای و نفی متقابلی قلمداد کند که احساسی از تعلیق و عدم تعین را به سوزه وارد می‌کند.

خبر ویژه

توافقی مثبت میان مدیران عامل مخابرات ایران و آسیاتک
نه به انحصار در مخابرات و آری به رقابت در کیفیت

- به گزارش روابط عمومی شرکت آسیاتک، با هدف رقابتی‌کردن هرچه بیشتر بازار و تسهیل در ارائه خدمات ارتباطات ثابت و ایجاد فرصت‌های برابر و دوحاکتری از منابع و امکانات موجود، تفاهم‌نامه‌ای کم‌نظیر میان شرکت‌های مخابرات ایران و آسیاتک منعقد شد. بر اساس این گزارش، تفاهم‌نامه مورد اشاره از تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ درخصوص بهره‌برداری از Bit stream شرکت آسیاتک از شبکه مخابرات ایران در سراسر کشور بسته شد. این گزارش حاکی است پس از تصدی‌گری مجید صدری به ریاست شرکت مخابرات ایران و رویکرد مثبت او درخصوص گذر از انحصار در عملکرد مخابرات ایران و استفاده از توان علمی و فنی شرکت‌های خصوصی برای ارائه خدمات براساس مصوبه ۲۶۰ سازمان تنظیم مقررات، تفاهم‌نامه بهره‌برداری از Bit stream شرکت آسیاتک از شبکه مخابرات ایران میان این دو شرکت عقد شد. بر اساس این خبر، شرکت آسیاتک می‌تواند پس از اجرای مراحل فنی، در سراسر کشور و در مراکز و خصوصاً در کافوهای نوری که پیش از این امکان ارائه خدمات در آنها وجود نداشت، با استفاده از امکانات ایجادشده شرکت مخابرات ایران ارائه سرویس و خدمات کند. در همین راستا سیدمجید صدری و محمدعلی یوسفی‌زاده، مدیران عامل دو شرکت، در تفاهمی، اجرایی‌کردن این تفاهم‌ها را تأیید و امضا کردند.

شرق: بالاخره و تنها ۱۰ روز مانده به پایان سال ۱۳۹۶، برگزاری جلسات تعیین دستمزد سال ۹۷ از سر گرفته شد. یک ماه پیش و در جریان تصویب بودجه سال ۹۷، مجلس و دولت تصمیمی برای منابع درمانی سازمان تأمین اجتماعی گرفتند که با واکنش سریع کارگران و کارفرمایان روبه‌رو شد و با ترک جلسات تعیین دستمزد از سوی این دو شریک اجتماعی دولت، تعیین دستمزد سال ۹۷ بلاتکلیف ماند. حالا اما به شرط بررسی این موضوع در جلسه شورای‌عالی کار، نمایندگان کارگری و کارفرمایی به جلسات تعیین دستمزد برگشته‌اند تا بتوانند راه‌حلی برای برون‌رفت از وضع موجود بیابند.

تعیین مزد تا آخر هفته

هر چند در جلسه دیروز حداقل دستمزد مشخص نشد اما به نظر می‌رسد اگر مشکلی پیش نیاید تا پایان هفته حداقل دستمزد سال ۹۷ مشخص خواهد شد. در این رابطه فرامرز توفیقی، رئیس کمیته دستمزد و مشاور کانون عالی شوراهای اسلامی کار، در گفت‌وگو با «شرق» از شرکت شرکای اجتماعی در جلسه تعیین دستمزد خبر داد و گفت: در ابتدای جلسه، درباره موضوع سهم درمان تأمین اجتماعی بحث شد و همه حاضران ازجمله وزیر کار با کارفرمایی نامهای به این تصمیم اعتراض کرده و به‌زودی دیداری با کمیسیون‌های مختلف مجلس درهمین‌باره خواهیم داشت. توفیقی همچنین درباره مسئله تعیین دستمزد گفت: در این جلسه موضوع به‌روزرسانی سبد مواد خوراکی در دستور کار قرار گرفت و بعد از مذاکراتی که صورت گرفت، روی رقمی توافق شد؛ اما درباره سهم مواد خوراکی از سبد معیشت کارگران بین نمایندگان کارگری و کارفرمایی توافقی حاصل نشد و به همین دلیل در روزهای آینده جلسه‌ای برای رسیدن به توافق در این زمینه انجام خواهد شد و پس از آن احتمالاً موضوع تعیین دستمزد به نتیجه خواهد رسید.

بند جتجالی

ماجرای تعطیلی جلسات تعیین حقوق و دستمزد از آنجا شروع شد که دولت در لایحه بودجه سال ۹۷ و ذیل بند «ز» تبصره ۷ ماده‌واحد آن پیشنهاد کرد سازمان تأمین اجتماعی از این پس ملزم شود سهم یک‌سومی درمان از حق بیمه‌های کارگران تحت پوشش این سازمان را به خزانه دولت بپردازد. اگرچه ماجرای تعطیلی جلسات تعیین حقوق و دستمزد از آنجا شروع شد که دولت در لایحه بودجه سال ۹۷ و ذیل بند «ز» تبصره ۷ ماده‌واحد آن پیشنهاد کرد سازمان تأمین اجتماعی از این پس ملزم شود سهم یک‌سومی درمان از حق بیمه‌های کارگران تحت پوشش این سازمان را به خزانه دولت بپردازد. اگرچه

در ابتدا به نظر می‌رسید چنین بندی در مجلس به تصویب نخواهد رسید، اما با رایزنی‌های صورت‌گرفته از سوی دولت و وزارت بهداشت این بند نیز از فیلتر مجلس به سلامتی گذشت. خبر تصویب این بند سریعاً در خروجی رسانه‌ها قرار گرفت و نمایندگان کارگری و کارفرمایی که در جلسه تعیین دستمزد حاضر بودند، به محض اطلاع از تصویب آن، با نوشتن بیانیه‌ای مشترک ضمن اعتراض به تصویب این بند، جلسه تعیین دستمزد را ترک کردند. ترک جلسه تعیین دستمزد از سوی کارگران و کارفرمایان به معنی تعطیلی این جلسات بود و تلاش دولت برای نگه‌داشتن نمایندگان کارگری و کارفرمایی پای میز مذاکره نیز بی‌نتیجه ماند. الزام سازمان تأمین اجتماعی برای واریز سهم درمان به خزانه دولت از دو سو محل بحث جدی کارشناسان و تحلیلگران قرار گرفت. از یک سو بدون شک رایز این منابع به صورت نقدی و در پایان هر ماه به خزانه دولت به معنی اخلاص جدی در تعادل درآمد- هزینه‌ای تأمین اجتماعی است. خصوصاً از این جهت که در ماه‌های ابتدایی سال معمولاً دریافتی‌های حق بیمه سامان مناسبی ندارند و طبق روال معمول، سازمان تأمین اجتماعی درآمدهای خود را بر پرداخت حقوق و مستمری بازنشستگان متمرکز می‌کند و در نیمه دوم سال که درآمدهایش ثبات بیشتری پیدا می‌کند، کسری منابع درمان خود را

اقتصاد

با اضافه‌شدن موضوع سهم درمان تأمین اجتماعی و ترکیب هیئت نظارت بر این سازمان صورت گرفت:

بازگشت کارگران و کارفرمایان به مذاکرات تعیین دستمزد



علینا

جبران می‌کند، اما با تصمیم جدید دولت عملاً امکان مدیریت درآمد-هزینه در سازمان تأمین اجتماعی وجود نخواهد داشت که می‌تواند به تأخیر یا عدم پرداخت حقوق بازنشستگان در ماه‌های ابتدایی سال منجر شود. از دیگر سو، کارشناسان، واریز منابع یک سازمان غیردولتی به جلسه تعیین دستمزد شرع می‌دانستند و امیدوار بودند شورای نگهبان ایرادات قانون اساسی و شرعی به این مصوبه بگیرد؛ امیدی که ناامید شد تا دولت بار دیگر تلاش خود برای برگرداندن نمایندگان کارگری و کارفرمایی به میز مذاکرات تعیین دستمزد را آغاز کند؛ تلاشی که هفته گذشته با عدم موافقت کارگران و کارفرمایان ناکام ماند و جلسه با وجود اطلاع‌رسانی‌های صورت‌گرفته لغو شد. علی خدایی، نماینده کارگران در شورای‌عالی کار، چند روز قبل در گفت‌وگو با «شرق» درباره عدم شرکت نمایندگان کارگری در جلسه تعیین دستمزد گفته بود؛ با توجه به عدم توجه مسئولان ذی‌ربط به خواسته‌های جامعه کارگری و عدم دفاع از حقوق حقه آنان درباره منابع درمانی تأمین اجتماعی به این نتیجه رسیدیم که در جلسه تعیین دستمزد شرکت نکنیم. اصغر آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان، نیز در گفت‌وگو با «شرق» از مصوبه کانون عالی کارفرمایان کشور برای عدم شرکت در جلسات تعیین دستمزد در اعتراض به آنچه «نبود مشارکت‌پذیری در تصمیمات

و بی‌توجهی به الزامات سه‌جانبه‌گرایی از سوی دولت» خوانده بود خبر داد. باین‌حال علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاونان او در چند روز گذشته رایزنی‌های متعددی را برای راضی‌کردن نمایندگان کارگری و کارفرمایی آغاز کردند و به آنها قول دادند موضوع مصوبه دولت و مجلس برای منابع درمانی تأمین اجتماعی را پیگیری خواهند کرد. حتی علی ربیعی در آستانه استیضاح خود تعارفات را کنار گذاشت و بدون آنکه اسمی از وزیر بهداشت ببرد، در گفت‌وگو با ایرنا برای برخی وزارتخانه‌ها که نمی‌توانند وظایف خودشان را به‌درستی ساماندهی کنند و تأمین اجتماعی را به‌عنوان یک محل فراگفتنی پیدا کرده‌اند ابراز تأسف کرد. به گفته ربیعی؛ این وزارتخانه‌ها دائماً به‌جای اینکه کنترل هزینه دستگاه خود را داشته باشند، نظام ارجاع را به‌درستی در مراکز درمانی خودشان اجرا کنند و راهنمای بالینی خود را ابلاغ کنند، تنها به منابع سازمان تأمین اجتماعی چشم دوخته‌اند. ربیعی در همین مصاحبه به‌روشنی مخالفت خود با واریز سهم درمان تأمین اجتماعی به خزانه دولت را اعلام کرد و گفت: یک ساعت تمام در هیئت دولت در این‌باره صحبت کردم و این تصمیم را درست نمی‌بینم. پس از پیگیری‌های صورت‌گرفته اما این هفته کارگران و کارفرمایان با تعیین شرطی حاضر به شرکت در جلسه تعیین دستمزد شدند.

دستمزد به شرط منابع درمان

چند روز پس از لغو دوباره جلسه تعیین دستمزد، علی خدایی، نماینده کارگران در شورای‌عالی کار، از احتمال شرکت اعضای کارگری در جلسه تعیین دستمزد خبر داد و گفت به شرط بررسی موضوع بند ز تبصره ۷ لایحه بودجه، کارگران در جلسات شرکت خواهند کرد. احمد مشیریان، معاون وزیر کار، نیز در نامه‌ای خطاب به نمایندگان کارگری و کارفرمایی نوشت: «به منظور پاسداشت حقوق و منافع صنفی شرکای اجتماعی موضوع بند ز تبصره ۷ و همچنین بررسی ترکیب هیئت نظارت سازمان تأمین اجتماعی به موضوعات جلسه شورای‌عالی کار اضافه خواهد شد؛» اقدامی که باعث شد نمایندگان کارگری و کارفرمایی تصمیم بگیرند در جلسات تعیین دستمزد شرکت کنند.

امروز وزیر نیرو در کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی حضور خواهد یافت

طرح سؤال ۴ نماینده از اردکانیان

حسن بهرام‌نیا، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی که سؤالی از وزیر نیرو ندارد، در ارتباط با طرح سؤال از او به «شرق» گفت: حتماً نمایندگان سؤالاتی دارند که پیگیر حضور اردکانیان در کمیسیون انرژی هستند. باید ببینیم وضعیت سؤالات چگونه است و چه پاسخ‌هایی ارائه می‌شود. افراد چه می‌گویند و نتیجه چه می‌شود.

او ادامه داد: درحال‌حاضر نمی‌توان اظهارنظر کرد؛ اما مدت زمان فعالیت وزیر نیرو به حدی نیست که بتوان عملکردش را ارزیابی کرد و این مسئله نیاز به زمان دارد. شاید سؤال‌های مطرح‌شده مربوط به دوره قبل از فعالیت اردکانیان باشد.

نبود نقشه‌راه برای آب و برق

کرووش کرم‌پورحقیقی، دبیر کمیسیون انرژی مجلس و نماینده مردم فیروزآباد در مجلس شورای اسلامی، درباره سؤال از اردکانیان به «شرق» بیان کرد: برخی مسائل در حوزه انتخابیه من و برخی در سطح ملی است که اگر به آنها رسیدگی نشد، سؤال خود را به صحن مجلس می‌برم. او افزود: اولین سؤال من درباره نقشه‌راه برای آب کشور است. معتقدم وزارت نیرو در سطح ملی نقشه‌راهی برای تولید، توزیع و مصرف برق ندارد.

به گفته کرم‌پور در فیروزآباد سه سد وجود دارد که نزدیک به یک میلیارد مترمکعب آب از سال ۹۵، پشت آنها ذخیره شده است. سد سلمان فارسی در منطقه قیر و کارزین وجود دارد؛ اما مناطق در فاصله ۳۰ تا ۵۰ کیلومتری این سد در تأمین آب شرب مشکل دارند.

استیضاح وزیری که عذرخواهی نکرد

ایشان چگونه و با چه مدرکی به این نتیجه رسیدند؟ در کجای فرایندی که منجر به سانحه سانچی شد، وزارت راه قرار می‌گیرد که ایشان حکم به تقصیر صادر فرموده‌اند؟ همگان آگاه است که نمایندگان محترم به قاعده بیش از دیگران آگاه هستند که سانحه از سوی گروهی متشکل از کارشناسان ارشد رسیدگی به سوانح دریایی در کشورهای ذی‌ربط؛ ایران، چین، پاناما و هنگ‌کنگ در دست رسیدگی است. رسیدگی براساس دستورالعمل رسیدگی به سوانح دریایی که ضمیمه کنوانسیون المللی ایمنی جان اشخاص در دریا (SOLAS) است، صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز جزء کشورهای متعاهد آن است. حال چگونه ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که وزارت راه‌وشهرسازی مقصر است؟ در موضوعی که با جان انسان‌ها سروکار دارد، آیا گفتن چنین سخنان بی‌بنیانی موجب آزردهگی عواطف و احساسات خانواده‌های عزیز داغدار و عموم مردم نمی‌شود؟ دوستان درحالی‌که من در محل وقوع سانحه در حال تنظیم امور امداد، تجسس، شناسایی و سرکشی به خانواده‌های داغدار بودم، درخواست استیضاح را به هیئت‌رئیسه تقدیم کردند. آیا واقعاً درست است که مسئول درگیر عملیات میدانی را در چنین موقعیتی از کار بازداشت؟

پیش از آنکه کوچک‌ترین اطلاعاتی از کیفیت وقوع

دیدگاه

عایدی سرمایه، در آمد عادی و شرایط مبهم

گریگوری منکیو

ترجمه: یوسف حاجی‌قاسمی و سامان پناهی

● عایدی سرمایه در اقتصاد ایران نسبت به سایر درآمدها سهم بالایی دارد و مالیات کمتری نیز می‌پردازد. در شرایط فعلی اقتصادی حضور و گولانگه سوداگران و سفته‌بازان همراه با شرایط نااطمینانی در اقتصاد نقش تولید و امور اشتغال‌زای مولد را کم‌رنگ کرده است. به نظر می‌رسد شناسایی دقیق عایدی سرمایه که بیشتر مواقع نیز با درآمدهای حاصل از امور نامولد و سفته‌بازانه حاصل شده است، می‌تواند تا حدودی نقدینگی موجود در جامعه را به سمت تولید هدایت کند. منکیو در این مقاله در جهت شناسایی دقیق عایدی سرمایه مثال‌های روشنی زده است که به شفاف‌شدن موضوع کمک می‌کند. ترجمه این مقاله به شرح ذیل است: سهم از سود مدیران سرمایه‌گذاری چیست؟ و چرا برخورد مالیاتی صورت‌گرفته با آن این‌گونه است؟ این سؤالات معماگونه عموماً مخصوص حسابداران و امثال آنهاست و دلیل آن این است که این سؤال‌ها می‌توانند آن‌قدر گنج‌کننده باشند که گویی از یک تست IQ مخصوص حسابداران استخراج شده‌اند. آزمون فقط برای حسابداران نوشته شده است. اما از آنجا که این سؤالات ذهن تعداد اندکی از افراد با در آمد خیلی بالا، از جمله یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری (که نقش شاوور او را بر عهده داشتم، مشغول کرده‌اند، اخیراً مورد توجه وسیع‌تری قرار گرفته‌اند. پس اجازه دهید مسئله را مورد بررسی قرار دهم. تقریباً در تمام طول تاریخ مالیات بر درآمد ایالات متحده، نرخ مالیات بر عایدی سرمایه کمتر از درآمد عادی بوده است، امروزه سقف نرخ مالیات برای عایدی سرمایه ۱۵ درصد و برای درآمد عادی ۳۵ درصد است. دلایل خوبی برای این موضوع وجود دارد، برای مثال، این واقعیت که عایدی سرمایه با تورم شفاف‌بندی نمی‌شوند. اما جدای از این، اگر بخواهیم عایدی سرمایه را در نرخ پایین‌تری مالیات‌بندی کنیم، یک سؤال ضروری پیش‌روی ماست: عایدی سرمایه چیست و چگونه می‌توان آن را از درآمد عادی تشخیص داد؟ پاسخ ساده به نظر می‌رسد. اگر شاغل هستید، پولی که بابت کار برای شما پرداخت می‌شود، درآمد عادی است.

اگر یک دارایی را بخرید و سپس آن را به قیمت بالاتر بفروشید، سود حاصل از فروش آن عایدی سرمایه است. اما آیا واقعاً این مسئله به این سادگی است؟ پنج مثال را در نظر بگیرید و ببینید آیا می‌توانید درآمد عادی و عایدی سرمایه را از هم تشخیص دهید: «ای» برای تعلیلات خانواده خود یک خانه ۸۰۰۰هزاردلاری می‌خرد. چند سال بعد، زمانی که فرزندانش بزرگ شده‌اند و خانه را ترک کرده‌اند، خانه را یک میلیون دلار می‌فروشد. او ۲۰۰ هزار دلار به دست می‌آورد. «باب» یک سرمایه‌گذار املاک و مستغلات است. پس از زیرورکردن بازار و صرف زمان زیادی برای یافتن بهترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری، خانه‌ای با قیمت ۸۰۰ هزار دلار خریداری می‌کند که معتقد است کمتر از حد ارزش‌گذاری شده است. چند سال بعد آن را به قیمت یک میلیون دلار می‌فروشد و برای او سودی معادل ۲۰۰ هزار دلار ایجاد می‌شود. «کارل» یک سرمایه‌گذار املاک و دارای شغل نجاری است. یک سال مخروبه او ۸۰۰ هزار دلار خریداری می‌کند. پس از صرف تعطیلات آخر هفته خود برای تعمیر خانه، آن را چند سال بعد به مبلغ یک میلیون دلار می‌فروشد. بار دیگر سود معادل ۲۰۰ هزار دلار است. «دن» یک سرمایه‌گذار املاک و مستغلات و دارای شغل نجاری است، اما سرمایه او کم است. او به دوست خود خانم مانی‌بگز متوسل می‌شود و با او شریک می‌شود. فرض کنید که خانم مخروبه ۸۰۰هزاردلاری را خریداری می‌کند و بعداً یک میلیون دلار می‌فروشند. سرمایه از خانم مانی‌بگز و کار از «دن» است. آنها در نهایت سود ۲۰۰هزار دلاری را به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند. «ارل» نجار است. خانم مانی‌بگز یک خانه مخروبه را ۸۰۰ هزار دلار خریداری و ارل را استخدام می‌کند تا آن را تعمیر کند. خانم مانی‌بگز پس از پرداخت صدهزار دلار بابت خدمات ارل، آن را به قیمت یک میلیون دلار می‌فروشد و برای او سودی معادل با صدهزار دلار باقی می‌ماند. چندر عایدی سرمایه و درآمد معمولی برای ایی، باب، کارل، دن و ارل حاصل می‌شود؟ (برای ساده‌انگاشتن مسئله، فرض کنید که خانم مانی‌بگز از پرداخت مالیات معاف است. خانم مانی‌بگز را به عنوان یک صندوق سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی یا صندوق وام یک دانشگاه در نظر بگیرید).

ابتدا موارد آسان‌تر را بررسی می‌کنیم. به نظر ساده می‌رسد که ایی دارای عایدی سرمایه است. سود او ۲۰۰ هزار دلار است که از نگه‌داشتن یک دارایی در طول زمان حاصل شده است و به نظر روشن می‌رسد که ۱۰۰ هزار دلار ارل یک درآمد عادی محسوب می‌شود. او در ازای ارائه خدمات مزد دریافت کرده است. اما در موارد مابین ایی و ارل، مسئله پیچیده می‌شود. باب و کارل از یک طرف در ازای زمانی که می‌گذارند پول دریافت می‌کنند. اما قانون مالیاتی با هرودی آنها به گونه‌ای برخورد می‌کند که گویی تمامی درآمد آنها عایدی سرمایه بوده است. قانون مالیاتی، میزان زمانی که باب در جست‌وجوی بهترین فرصت سرمایه‌گذاری صرف می‌کند را به عنوان یک شغل به حساب نمی‌آورد.

ادامه در صفحه ۵